



۲۰۱۹/۰۳/۰۸



حبیب عثمان

به پیشواز ۸ مارچ روز جهانی زن

گزیده های ناب و دلنشین از شاعر زمان افغان

تک درخت

ای تک درخت شرقی مغرب نشین بگو
از آیه های باور و نور و یقین بگو
ای شهسوار وادی شعر دری بمان
با من ز هم صدایی صبح بهین بگو
از آشیان سوخته بر شاخه های نور
و ز ریشه های سوخته از تفت کین بگو
بعد از من و تو آبی آن آسمان چه شد؟
تیغ طلوع برآمد از آن آستین بگو
صد حنجره صدا به دل واژه آب کن
در کوچه های مرده شهر غمین بگو
از ریشه های آبی آواز های نور
با باغ های خسته آن سر زمین بگو

بس روز ها که روزنه یی دیده وا نکرد
وردی برای ختم شب ای بهترین بگو

شاعر : حمیرا نگهت



وضع جهان...

تا نظر بر چمن وضع جهان وا کردم
ستمی بود که بر دیده بینا کردم
نه چمن رنگ وفا داشت نه گل بوی لقا
حیرت آلوده به هر سو که تماشا کردم
شوخ چشمی چو گلش کردم و بس شرمیدم
هر متاعی که ازین سفله تمنا کردم
گر به محشر زمن از حاصل دنیا پرسند
گویم افسوس همه خواهش بیجا کردم
ذره یی نیست بکف زین سفر دور و دراز
عفو خواهم ز خدا آنچه خطا ها کردم
"فدوی" بار خجالت بکشی روز جزا
زانکه در عالم فانی چه مهیا کردم

شاعر : آمنه فدوی

